



۲۰۲۰/۱۱/۱۳

عبدالقیوم میرزاده

بسیج عمومی مردم علیه طالبان - قاتلین مردم افغانستان

در هفته های اخیر، افغانستان خونین ترین روز های تاریخ خویش را در زیر سیطره ایالات متحده امریکا که خود را بزرگترین دیموکراسی جهان نمایش میدهد، سپری میکند. طالبان جویبار خون هموطنان بلاکشیده ما را فوران داده است. نه مکتب ماند، نه مدرسه، نه پوهنتون، نه سرک و نه جاده. در همه جا خون هموطنان ما را بوسیله بمب، تفنگ و آتش جاری ساخته اند. هیچ نقطه کشور از ترور، انتحار، وحشت و دهشت غیر انسانی این قاتلین مردم افغانستان مصئون نمانده است. مردم ما بیست سال قبل با خوشباوری تمام لشکر کشی امریکا را علیه گروه تروریست، شریر، آدمکش بنام طالب نوکر پاکستان که شرارت و خباست از سر و روی کار و اعمال شان میباید و مخالف تمدن، ترقی و همه انواع آزادی انسانها بودند پذیرفتند. به خیال اینکه امریکا واقعاً مصمم است تا علیه تروریسم مبارزه کند. در حالیکه در پشت پرده بازی دیگری در حال اجرا بوده و پاکستان در تیبانی با امریکا به بهانه عدم تحویلی رهبر القاعده، اسامه بن لادن از جانب طالبان زمینه هجوم و لشکر کشی امریکا را مساعد ساخت در حالیکه بن لادن در ایبیت آباد پاکستان در تحت حفاظت نظامیان پاکستانی در جوار بزرگترین پایگاه نظامی پاکستان که صد ها مشاور امریکایی روزانه در آن رفت و آمد میکردند، به زندگی و شرارت پیشگی خویش مشغول بود.

با این لشکر کشی امریکا منطقه دستخوش تحولات ژرف گردید. چین، روسیه و ایران با آنکه حضور نظامی امریکا در افغانستان موقتاً تهدیداتی را علیه منافع شان در منطقه توجیه میکرد با این لشکرکشی مخالفت نکردند. این کشور ها بخوبی میدانستند که امریکا باردیگر چون ویتنام در باتلاق که خودش برای خویش در افغانستان آماده کرده است گیر میماند.

پاکستان، ایران، روسیه، چین، هندوستان و سایر کشور های دور و نزدیک به نحوی در این میان در تکاپوی منافع شان هستند و از وضعیت ایجاد شده و انکشافات آن در ورای منافع ملی شان بهره برداری میکنند و یا اگر منافع شان متصور نیست سیاست منفعل و انزوا اختیار میکنند.

اما سوال اساسی اینجاست که چرا اداره دولت و مراجع حکومتی افغانستان در این میان هر روز بازنده بوده و با این همه مصیبت که پاکستان زیر نام طالبان بر مردم افغانستان آورده اند و روزانه ده ها و صد ها هموطن بیگناه ما را از کنار تا کنار کشور در مکتب، مدرسه، پوهنتون، عبادتگاه، شهر، بازار، سنگر دفاع از وطن و پوسته حفاظت مردم و تأسیسات دولتی سر میبرند و خون میریزند هیچ اقدام تلافی جویانه نمیکند؟ چرا دولت در برابر این هیولای وحشت و در برابر پاکستان در حد دسترسی و امکانات خویش پالیسی معین وضع نمیکند؟ چرا دولت تهدیدات و فشار های امریکا را درباره طالبان با مردم در میان نمیگذارد؟ ارگانهای ذیربط و رسانه های اجتماعی چرا به عوض نفرین و افشای اعمال طالبان دست به تبلیغات ضد دولتی میزنند؟ چرا هنوز هم ملا ها آزادانه در مدارس و مساجد طی خطابه ها مردم را به

نفع طالب و پاکستان تحریک میکنند؟ چرا دولت با آنکه از توافقنامه طالبان - امریکا و رهایی هزاران زندانی طالب شدیداً و عمیقاً به خطر سقوط مواجه شده است، با شفافیت مردم را در جریان قرار نمیدهد و فرامین و دستاویز مشخص برای قوای مسلح افغانستان در برخوردشان با طالبان این نوکران پاکستان و امریکا صادر نمیکند. تا این نیروها با یک انگیزه در برابر دشمنان مردم افغانستان قرار گیرند؟ چرا در حالیکه مولانا عبدالباقی مسئول تحصیلات عالی طالبان طی اعلامیه به صراحت ابراز میدارد که پوهنتون ها و همه مراجع علمی افغانستان مراکز بی دینی و الحاد است بناءً به طالبان دستور داده است تا علیه این مراکز اقدام نظامی کنند، که در نتیجه همین کار را هم کردند، ولی هیچ یک از رسانه های اجتماعی در این باره تبصره نمیکند؟ و دولت نیز این نکته را منحصراً مهمترین سند ضد طالبان برای قتل عام محصلین بیگناه پوهنتون کابل برای مردم توضیح نمیدهد؟ طالبان و سخنگویان شان طی بسیاری از مصاحبه های مطبوعاتی و پیامهای شان پیوسته در پی فتوی ها بر اساس آیات قرآنی و احادیث اند تا قتل و کشتار مردم بیگناه ملکی، شاگردان مکاتب، محصلین پوهنتون ها، استادان و امامان و متولیان عبادتگاه ها را توجیه کنند. دولت و گردانندگان رسانه های اجتماعی هیچکدام در پیشگاه مردم این مسایل را قرار نمیدهند که این گروه وحشت و دهشت تنها برای کشتن مردم فکر میکند. اگر بالفرض حکومت دیگری هم جانشین اداره موجود گردد باز هم آنها جزء کشتن مردم کاری دیگر ندارند زیرا آنها از جانب استخبارات پاکستان منحصراً تروریستان و قاتلین مردم ما تعلیم، تربیه و تجهیز شده اند. چرا مجریان و مسئولین رسانه های اجتماعی که وظیفه سترگ اطلاع رسانی صادقانه را دارند به این کار مبادرت نمی ورزند و روهای سیاه این قاتلین مردم را افشا نمیکند؟ در عوض انگشت انتقاد بطرف دولت نشانه گرفته میشود و طی میزهای مدور و بحث های تلویزیونی بیشتر روی مسایل فرعی به بحث های غیر ضروری و در بسیاری حالات بر علیه دولت میپردازند که جو حاکم نفرت علیه طالب را تحت شعاع قرار دهند. این چراها و هزاران چراهای بی جواب دیگر مردم را روز تا روز نسبت به دولت و حکام متردد ساخته و آنها را از کنار دولت بدور میسازد.

مردم از بابت این همه کشتار فرزندان شان به ستوه آمده اند و نهایت خشمگین اند. همه مردم دولت را حافظ جان، مال و ناموس خویش میدانند. آنها خون بهای قتل عام فرزندان شان را از دولت مطالبه دارند. بسیار لازمی است تا دولت در این عرصه مسئولانه عمل کند. مجریان و سازماندهندگان و همکاران این جانان وحشی قتل عام ها را طی محاکم علنی در محضر مردم محکمه کنند. حتی جریان تحقیقات این جانان را در معرض دید همگان قرار دهند.

امریکا به وسیله خلیل زاد و پومپینودر همکاری با پاکستان با فشار، ارباب، خدعه و نیرنگ پروژه حاکمیت طالب در افغانستان را تقریباً به پایه اکمال رسانیده است. آنها در گام نخست با ایجاد دفتر قطریک گروه تروریست را هویت کاذب بخشیده و متعاقب آن باب مذاکره طولانی با این گروه را گشودند تا هر چه بیشتر آنها را در سرخط اخبار جهان قرار داده و برایشان نام و نشانی تهیه دیدند که بعد از هویت دهی و شناسایی بین المللی این گروه تنه کار وحشی با دور زدن دولت جمهوری اسلامی افغانستان توافقنامه نامنهادی را خلاف تمام موازین بین المللی امضاء و سعی بعمل آوردند، به ذریع گوناگون دولت افغانستان را تحت فشار قرار داد تا پنجهزار زندانی این گروه تروریست را از زندان رها کرده و با آزادی آنها جبهات نظامی این گروه تروریست را در سراسر افغانستان از لحاظ پرسونل و تجهیزات نظامی اکمال کردند و به این ترتیب در سراسر کشور ما جو بیار خون را روان کرده اند، با این همه خلیل زاد آرام ننشسته در آخرین رشته تویت هایش دولت افغانستان را بیشرمانه تهدید میکند که «دروازه صلح برای همیشه باز نیست» این مداری بیشرمانه ادامه میدهد که «دولت و طالبان نباید از حمله به پوهنتون کابل سوء استفاده کنند» در حقیقت همه تویت هایش بر علیه دولت افغانستان و غرض هویت بخشی و تشجیع طالبان بر طبق مآثور های دیپلوماتیک و استخباراتی منتشر میگردد.

این مداری وزارت خارجه امریکا پیوسته دولت افغانستان را در صورت خودداری از مذاکره با طالبان با حملات وسیع سراسری طالبان و سقوط حتمی دولت تهدید میکند. در حالیکه هم عامل جنگ در افغانستان امریکا و شرکای منطقوی اش میباشند و هم ذریع و وسایل جنگ در دست خودشان و متحد منطقوی شان پاکستان است. ولی این مداری با این

تویت ها و تلاشهای دیپلماتیک اش از یکطرف دولت افغانستان را منزوی میسازد و از طرف دیگر هم پیمانان بین المللی امریکا و کشور هاییکه به نحوی در آرزوی افغانستان با ثبات میباشند در حالت تردد و سر درگمی قرار داده است. با تحلیل و تجزیه تویت ها و تلاشهای منطقی و جهانی خلیل زاد دقیقاً به این نتیجه میتوان رسید که خلیل زاد بیشتر حیثیت سخنگوی طالبان را داشته و در نقش سخنگوی طالبان ظاهر میگردد تا مأمور وزارت خارجه امریکا.

با وصف این همه پلانهای خصمانه خلیل زاد و وزارت خارجه امریکا همچنان از ورای بعضی یادداشت ها، کنفرانسها و فعل و انفعالات مسئولین نظامی امریکایی در افغانستان چنین بر می آید که آنها هم درجه همکاری های نظامی شانرا در عملیات های نظامی تقلیل داده اند و حتی امنیت کاروان زرهی نیروهای امریکایی را که از ولایت وردک عازم کابل بودند طالبان بدوش داشتند، پس چه چیزی دولت را ملزم به همکاری با امریکا میکند؟ چرا هنوز هم دولت برای امریکائیان که کاملاً از آنها رو گردانده چابلوسی میکند؟ چرا دستگاه وزارت خارجه در همچو شرایط طرح های بدیل را در جهان جستجو و ارائه نمیکند؟ کشور ما با وصف موقعیت جیوپولیتیک و جیو استراتژیک اش سر شار از امکانات مادی برای بسیاری از کشور های که نقش بدیل را میتوانند احراز کنند، دارد. حتی پاکستان را بوسیله دیپلماسی فعال با چین که پروژه های بزرگ اقتصادی اش با یک افغانستان با ثبات گره خورده است میتوان تحت فشار قرارداد.

چرا دولت بر علیه آدمکشی ها، شرارت ها، خود کفانی ها، خونریزی ها و قتل عام طالبان مردم را در یکی از چهار راهی های شهر ها و ولایات جمع نمیکند و بسیج عمومی را بر علیه طالب و تمام حمایت کنندگان شان راه اندازی نمیکند. این کار از یکطرف مورال نیرو های مسلح کشور را بالا میبرد و از طرف دیگر پشت دشمنان کشور و این قاتلان وحشی و حمایت کنندگان شان را به لرزه می آورد و در اینصورت جهانیان نیز در کنار این داعیه برحق مردم ایستاده میشود.

در شرایط کنونی غیر از همین دستگاه نا کاره دولت هیچ گزینه بدیل را من نمی بینم ورنه این یادداشت را به آدرس ایشان مینوشتم. سیستم اداره، نظام قضایی و عدلی، مراجع قانونگذاری، تاسیسات جامعه مدنی و مکنونات شهروندی و آزادی های زنان در محدوده دولت اسلامی افغانستان صرف نظر از شناسه و شاخص افراد شاغل برحال آن یگانه غنیمت و ما یحصل بیست سال جانفشانی مردم و اهل خبره این مملکت میباشد. بناءً حفظ این همه دستاورد ها هر انسان وطن دوست و با وجدان این مرز و بوم را ملزم میدارد تا برای حفظ این داشته ها در این بسیج عمومی شرکت کرده و به همین ترتیب بر علاوه شکستادن کمر طالبان و حامیانش بالای اراکین دولت نیز تأثیر گذاری کرده و صف خدمتگاران اصیل اداره دولت، سازمانهای اجتماعی و شهرداری ها را از مفسدین جدا سازند. آنچه در این راستا از اهمیت فراوان برخوردار است نقش پیشآهنگی خبره گان، منتقدین، آگاهان امور، قلم بدستان، روشنفکران دینی، امامان مردم محور و وطن دوست غیر وابسته به سلفی ها، پاکستان و اعراب، رهبری و اعضای سازمانهای سیاسی غیر وابسته به خارجیان، استادان مکاتب و پوهنتون ها و در یک کلام همه آنهایی که توان بسیج عمومی مردم را دارند با تمام جدیت دست و آستین بالا بزنند و مردم را بر علیه طالب و پاکستان بسیج سازند. جوانان و زنان میتوانند مهمترین نقش را در این میان برای حفظ این همه دستاورد ها و انکشاف آن تا دیموکراسی کامل ایفا کنند، در غیر آن شیرازه دولت و تمام ارکان وابسته آن که در بالا بصورت اختصار از آن نام بردم در پرتگاه سقوط و نابودی کامل برده شده است.

پایان



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، اینجا کلیک کنید](#)